

بررسی داده بنیاد مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) «مدلول، مرجع و مرجع تشخیص و غایت مصلحت»

نورالله قیصری^۱

محسن خاکی^{۲*}

علیرضا خسروی^۳

ابراهیم متقی^۴

چکیده

هدف: تبیین «مصلحت سیاسی» بر اساس مدل نظری مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره) صورت گرفته و می‌کوشد نشان دهد که چگونه «مصلحت سیاسی» مهم‌ترین مؤلفه تعیین کننده در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی است.

روش‌شناسی پژوهش: با «روش داده بنیاد» ابتدا از مکتوبات و بیانات امام(ره) همه واژه‌هایی که دلالت صریح بر مفهوم مصلحت سیاسی داشت استخراج گردید و سپس در مدلی نظری در ارتباطی ساختاری میان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ارائه شد.

یافته‌ها: مطالعات در این موضوع معمولاً در سطح بررسی تطبیقی فقهی باقیمانده و نتوانسته‌اند به راهبردهایی عملی برای تصمیم‌گیری سیاسی مبدل شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امام خمینی(ره) به دلیل ابتدای نیابت ولایت فقیه بر شأن «سلطانی و سیاسی» پیامبر اسلام(ص)، آن را واجد احکام سلطانی و حکومتی فراتر از فقه و احکام فرعی اسلام می‌داند. بر این اساس مصلحت به‌عنوان تکلیفی الهی برای خروج از بن‌بست به‌مثابه راهی برای حل معضلات حکومت اسلامی به‌مثابه اهم احکام الهی بوده و رهبر جامعه اسلامی دارای اختیارات مشابه با پیامبر و امیرالمؤمنین در حکومت می‌باشد و خود مرجع اصلی تشخیص مصالح جهان اسلام و نظام اسلامی هست.

نتیجه‌گیری: «مصلحت سیاسی» از منظر امام خمینی(ره) امری سیال بوده که حسب تغییرات سیاسی و اجتماعی می‌تواند تغییر نماید و بر هر امر دیگری در اسلام مقدم است. مرجع مصلحت، «نظام سیاسی» است و غایت آن «حفظ نظام» می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مصلحت، امام خمینی، جمهوری اسلامی، ولایت فقیه، حفظ نظام.

Email: ngheisari@ut.ac.ir

Email: mohsen.khak@yahoo.com

Email: ali.khosravi@ut.ac.ir

Email: emottaghi@ut.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران*

۳- استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

۴- استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

مقدمه و بیان مسئله

این پژوهش در پی آن است که نشان دهد مصلحت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین بخش سیاست در جمهوری اسلامی، به نظر در همه سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌صورت شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر پژوهش‌های موجود کفایت لازم را برای تبیین دستگاه شناختی امام خمینی(ره) را نداشته و در نهایت نمی‌توان با اتکای به آن‌ها پاسخی دقیق برای دو گانه‌های حال حاضر جمهوری اسلامی نظیر واقعیت- آرمان، مصلحت- حقیقت، هدف- وسیله، معیشت- آرمان، مشروعیت- مقبولیت، حفظ نظام- عدالت و ... یافت. همچنان بخش مهمی از نیازهای راهبردی نظام اسلامی دچار اختلافات تئوریک و سیاسی است و در بخش‌های مهم سیاسی، نظام تصمیم‌گیری کشور دچار تعلیق شده است. همچنین اختلافات سیاسی میان جریان‌های سیاسی وضعیتی حاد یافته و فراتر از اختلافات حزبی معمول به سطح منافع ملی رسیده است.

با وجود همه معضلاتی که گاه تا سطح بن‌بست کشور و نظام را به پیش برده‌اند، «ولایت مطلقه» فقیه، به‌مثابه محوری قدرتمند تلاش کرده است تا فراتر از منویات جریانات سیاسی، کشور و نظام را در بهترین وضعیتی که می‌تواند باشد قرار دهد. این بهترین در برخی مواقف همان وضعیت «بد» در قبال وضعیت «بدتر» است. بر این اساس فارغ از آنچه در حوزه نظر در باب مصلحت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران بیان شود، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که ولایت فقیه که تنها در خصوص دو رهبر جمهوری اسلامی تجربه شده است، همواره همان نقطه محوری و قابل اتکای جمهوری اسلامی برای خروج از وضعیت‌های حساس و بحرانی بوده است.

به بیان دیگر مسئله این پژوهش پرداختن به امری است که توجیه‌کننده و تسهیل‌کننده درک بسیاری از رفتارهای خاص جمهوری اسلامی است. نمودار گرایش سیاسی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی روندی سینوسی را میان چپ و راست، اصلاح‌طلب و اصولگرا و جریان موسوم به سوم نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در حالی که امام خمینی(ره) در نامه معروف ششم فروردین سال ۱۳۶۸، مهم‌ترین اشکال قائم‌مقام رهبری (آیت‌الله منتظری) که موجب عزل او شده است را گرایش ایشان به «لیبرال‌ها» می‌داند، برای دوره‌های طولانی بخش زیادی از مقامات ارشد کشور را افرادی با گرایشات لیبرالی بسیار شدیدتر (فارغ از قضاوتی درباره نتایج آن) از آقای منتظری تشکیل داده‌اند. به معنای روشن‌تر لیبرال‌ها در قلب قوای تقنینی و اجرایی کشور قرار داشته‌اند و جمهوری اسلامی کاملاً با همین موقعیت‌ها توانسته است به سمت اهداف کلان خود حرکت نماید. از سوی دیگر در حالی که دال مرکزی گفتمان جمهوری اسلامی حسب قرآن کریم بر «ولایت الله» در تضاد با دال مرکزی «ولایت طاغوت» بنا شده است (قرآن، بقره: ۲۵۷) و انقلاب اسلامی خود را موظف به زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی مهدوی(عج) می‌داند و در همه سال‌های تشکیل و استمرار خود با مصداق استکبار یعنی دولت امریکا در نبردی چند بُعدی بوده است، هیچ ابایی از انجام مذاکره‌ای طولانی مدت در موضوعات مورد نیاز با «شیطان بزرگ» ندارد. در واقع مذاکرات مطول با امریکا در شرایطی

است که انقلاب اسلامی خود را رقیب گفتمانی لیبرال دموکراسی آمریکایی معرفی می‌کند و بسیاری از مسائل و معضلاتش را با ارجاع به این دشمنی مرتفع می‌کند و به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین فرمانده تاریخ نظامی‌اش از سوی امریکا ترور شده و به شهادت رسیده است و در همه ژئوپلیتیک غرب آسیا در حال نبرد نظامی مستقیم با این دولت است. از این منظر این پژوهش در پی درک روشمند از مدلول «مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی» به‌عنوان رهبر مؤسس جمهوری اسلامی می‌باشد. بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش آن است که «مدلول، مرجع، مرجع تشخیص و غایت مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) در جمهوری اسلامی چیست؟»

پیشینه و ادبیات پژوهش

علی‌رغم وجود پژوهش‌ها، کتب و مقالات متعدد در باب «مصلحت» اما وجه غالب آن‌ها بررسی مصلحت در زمینه‌های فقهی بوده و مصلحت سیاسی هیچ‌گاه در مرکز توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر مصلحت معمولاً به‌عنوان یک عامل مستقل و تنها در بستر فقه شیعی و سنی در نظر گرفته شده و ارتباط آن با اقتضات نظریه سیاسی در جمهوری اسلامی، مصلحت عمومی، سیاست کلاسیک و نیز شاخص‌ها و غایبات آن یا مورد توجه نبوده و یا به آن توجه نشده است. از سوی دیگر در عمیق‌ترین پژوهش‌ها معمولاً به وجه دینی و سیاسی بودن مصلحت توجه شده و از فرآیند و ساز و کار تشخیص آن سخنی به میان نیامده است. در مجموع می‌توان از وجود چهار دسته پژوهش در این حوزه سخن گفت:

دسته اول پژوهش‌هایی که به ابعاد سیاسی و فقهی مصلحت و در واقع هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی آن توجه نموده‌اند. مثل کتاب «فقه و مصلحت» از استاد ابوالقاسم علی‌دوست و کتاب «حکم ثانوی در تشریح اسلامی» اثر علی اکبر کلاتری؛

دسته دوم: پژوهش‌هایی که به ابعاد فلسفی- کلامی مصلحت پرداخته‌اند مثل مقاله «دین، شریعت و مصلحت» اثر ابوالقاسم علی‌دوست؛

دسته سوم: پژوهش‌هایی که به وجه سیاسی مصلحت یا مصلحت عمومی و نسبت آن با حکومت پرداخته‌اند مثل کتاب «مصلحت نظام در اندیشه امام خمینی» اثر فاکر میبیدی و همکارانش و کتاب «گفتمان مصلحت در پرتو شریعت و حکومت» اثر حجت الاسلام خسروپناه

و دسته چهارم: پژوهش‌هایی که مصلحت را در یک حوزه‌ی خاص سیاسی مدنظر قرار داده‌اند مثل پژوهشی با عنوان «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه» اثر فاطمه سلیمانی و کتاب «مناقشه حق و مصلحت؛ و بن‌بست جنبش دانشجویی» اثر دکتر عماد افروغ.

چارچوب نظری درک مصلحت از منظر امام خمینی(ره)؛ بازخوانی ولایت‌فقیه

جمهوری اسلامی در بدو تشکیل و در استمرار خود و حتی در آینده کاملاً تلاش می‌کند تا خود را بر نظام سیاسی «امامت» منطبق کند. جمهوری اسلامی رابطه میان رهبر و جامعه را بر اساس ساختار «امام

- امت « بنا کرده و «ولی فقیه» را قائم مقام تام‌الاختیار «امام معصوم» می‌داند. از مجموع بیانات امام خمینی(ره) برمی‌آید که ایشان (با اختلاف نسبت به برخی بزرگان فقه) «ولایت مطلقه» را نه در اختیار فقه، که در اختیار «شخص فقیه جامع‌الشرایط» قرار می‌داد. در حالی که «ولایت فقه» می‌تواند به همان تنگناهایی دچار شود که تا پیش از ظهور امام خمینی(ره) داشت، «تغییر استراتژیک از فقاقت به فقیه» تلاشی برای تطبیق بیشتر حکومت سیاسی در شیعه به مکتب «امامت و امت» بود. از این منظر در ولایت فقیه مدنظر امام، شخص حقیقی فقیه جامع‌الشرایط است که در آن کاملاً موضوعیت دارد و این‌گونه نیست که برای فقاقت و عدالت به معنای فقه و عدل صامت به‌خودی‌خود بتوان شأن امامت و حکومت قائل بود، بلکه این «فقیه خاص جامع‌الشرایط» است که علت وجودی و مبغیه حکومت سیاسی شیعی است.

با توجه به تعبیر امام خمینی(ره) می‌توان به‌صراحت گفت که تعبیر ولایت برای فقیه در بیان ایشان به معنای یکسانی، همسانی و تطبیق قطعی همه اختیارات سیاسی مفروض میان امام معصوم و ولی فقیه است. ایشان معتقدند:

«این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم(ص) بیشتر از حضرت امیر(ع) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است... خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است؛ منتها شخص معینی نیست، روی عنوان «عالم عادل» است» (امام خمینی، ۲۰۱۵: ۵۰-۵۱).

ایشان همچنین در نامه مورخه ۱۳۶۶/۱۰/۱۶ به رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای) در تعیین حدود و اختیارات حکومت اسلامی که همانا اختیارات ولی فقیه است معتقدند:

۱. حکومت به معنای ولایت مطلقه‌ای از جانب خدا به نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعی‌ای الهیه تقدم دارد.

۲. حکومت اسلامی و حاکم اسلامی می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند. (همان)

آن چنان که مشخص است، امام خمینی(ره) قائل به «عینیت ولایت فقیه با ولایت رسول‌الله» هستند و می‌فرمایند:

«قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول‌الله هست. و این‌ها از ولایت رسول‌الله هم می‌ترسند» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۰: ۳۰۸). از این منظر می‌توان حکم کرد که از منظر امام خمینی(ره) همه شئون حکومتی اثبات شده برای پیامبر و امام معصوم برای ولی فقیه نیز در امر حکومت ثابت و قطعی است.

طرح ولایت‌فقیه مبتنی بر اختیارات شأن ریاست و سلطنت نبوی

از سوی دیگر امام خمینی(ره) در کتاب «رسائل» خود بیانی حول شئون رسول خدا(ص) در امت دارند. ایشان در آن کتاب می‌نویسند که برای رسول خدا(ص) در امت شئون و مسائلی وجود دارد که یکی از آن‌ها نبوت و رسالت به معنای تبلیغ احکام الهیه است. شأن دوم پیامبر(ص) مقام سلطنت، ریاست و سیاست است، زیرا ایشان سلطان از جانب خدای متعال است و امت رعیت ایشان محسوب شده و حضرت رئیس بلاد و عباد هستند. این مقام غیر از مقام رسالت و تبلیغ است (امام خمینی، ۱۹۹۰، ج ۱: ۵۰).

هنگامی که پیامبر(ص) امر و نهی ناظر به وجه سلطنت و ریاست می‌کنند، اطاعت از ایشان واجب است به دلیل این که آن امر و نهی دستور پیامبر(ص) است. مانند آن که ایشان امر به جهاد یا جنگ نمایند که در این خصوص اوامر ایشان همانند اوامر خداوند واجب‌المتابعه می‌باشد (همان: ۵۰-۵۱). از این منظر در دستگاه معرفتی امام خمینی(ره)، فقیه دارای شئون سلطنت و ریاست بر امت بوده که اوامر و نواهی او در حکم اوامر و نواهی خداوند است و این مطلب غیر از شئون فقهی و قضائیتی آن است. از این جهت می‌توان در جمع‌بندی ادراک امام خمینی(ره) از ولایت‌فقیه، آن را «ولایت بر فقه» ناشی از حق سلطنت و ریاست الهیه دانست که با «ولایت از فقه» به معنای محدودیت ولایت‌فقیه در احکام فرعی و جزئی کاملاً متفاوت است.

نظریه پردازی داده بنیاد

در روش داده بنیاد، نظریه‌پردازی بر پایه مفاهیم اصل حاصل از داده‌های گردآوری شده در زمینه مورد مطالعه شکل می‌گیرد (کوربین و اشتراوس^۱، ۲۰۰۸). هدف نهایی این روش، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده خاص حاصل می‌شود (دانایی‌فرد و مؤمنی، ۱۳۸۷: ۳). این روش بیش از آن که به روش مطالعه پدیده اصلی بپردازد به بررسی خود پدیده می‌پردازد و از این منظر روشی منعطف و کارا است (چارمز^۲، ۲۰۰۱).

مصاحبه‌ها یا مشاهدات و مکتوبات با هر ترتیبی از آن‌ها منبع داده محسوب می‌شود. داده‌ها در این صورت می‌بایست مبتنی بر چیزی باشند که در گذشته رخ داده است و می‌بایست آن را در مدل خود، زمینه‌ای که در آن رخ داده و نیز رفتاری که از آن استنباط می‌شود مورد فهم قرار بگیرد (گلسر^۳، ۲۰۰۷: ۹۳). آنچه مدنظر این پژوهش است بررسی داده‌ها به صورت «پاراگراف» است و هر پاراگراف یک واحد داده محسوب می‌شود. از این منظر با بررسی محتوایی هر پاراگراف در ظرف محتوایی و تاریخی صدور آن، «مقوله و معنای» مورد نظر استخراج شده و در عرض سایر مقولات هم‌سطح قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز این پژوهش به دلیل ابتدای موضوع پژوهش بر «نظام سیاسی جمهوری اسلامی» از دستگاه معرفتی این نظام

1. Corbin & Strauss

2. Charmaz

3. Glaser

سیاسی به دست می‌آید؛ از این منظر متن همه بیانات امام خمینی (ره) در دوره ۲۱ جلدی صحیفه امام خمینی (ره)، مینا و منبع جمع‌آوری داده‌ها می‌باشد.

یکی از رویکردهای مسلط در روش داده بنیاد بانام رهیافت «نظام‌مند»^۱ شناخته می‌شود که مبتنی بر سه‌گام اصلی کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳، کدگذاری انتخابی^۴ است. (دانائی فرد و امامی، ۲۰۱۱: ۵۴) در این سه مرحله، داده‌ها از وضعیت پراکندگی به وضعیت ارائه نظریه یا مدل می‌رسند. بخش‌های مذکور در درون یک مدل قابل مشاهده به نام پارادایم کدگذاری محوری قرار گرفته که همه ارتباطات حول پدیده اصلی را تشکیل می‌دهند. مدل دارای روایتی است که می‌توان نسبت و رابطه میان مقولات هر طبقه با طبقات دیگر را توضیح دهد (کرسول، ۲۰۱۲: ۸۸).

روش نظریه‌سازی داده بنیاد از سه ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کنند که عبارت‌اند از: مشاهده، مصاحبه و تجزیه و تحلیل متنی و یا ترکیبی از این روش‌ها (ولکات^۵، ۱۹۹۴: ۱۰). کار جمع‌آوری و نمونه‌گیری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که طبقات داده به مرحله اشباع برسند و هیچ داده دیگری نتواند مفهوم جدیدی به دست دهد (چارمز، ۲۰۰۱). برخی طبقات داده‌ای حول پدیده اصلی را در قالب مؤلفه‌های علی یعنی عوامل ایجاد پدیده اصلی، مقوله‌های راهبردی به معنای متغیرهایی که از یا در قبال پدیده اصلی عمل می‌کنند، متغیرهای زمینه‌ای به معنای مؤلفه‌هایی که پدیده اصلی در ظرف آن به وجود آمده است، مقوله‌های مداخله‌گر یعنی متغیرهای تعیین‌کننده وضعیت خاص و در نهایت مؤلفه‌های پیامدی به معنای نتایج و خروجی‌های مستحصل از راهبردها بیان نموده‌اند (کرسول، ۲۰۱۲: ۸۷).

مفهوم شناسی مصلحت

مصلحت از ماده صلاح و در لغت به معنای خیر و صواب است (ابن منظور، ۱۹۹۰: ۵۱۶). همچنین مصلحت در لغت در معنای نفع و منفعت به کار می‌رود. آنجا که غزالی مصلحت را عبارت از جلب منفعت و دفع مضرت می‌داند (غزالی، ۱۹۸۹: ۱۴۰). بنابر این که مصلحت از ماده‌ی صلح مشتق شده باشد، باید گفت که صلح و صلاح به معنای ضدفساد به کار رفته‌اند (ابن منظور، ۱۹۹۴: ۵۱۶) و (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۴۸۹). در هر حال مبنای معنایی این مفهوم را مصلحت ذکر نموده‌اند (افتخاری، ۱۹۹۸: ۹۵) بنابراین می‌توان مصلحت را مفهومی دانست که در درون آن، مطلوبیت به معنای خوب بودن و ضد فساد بودن و همچنین سودمندی و منفعت لحاظ شده باشد (عمیدزنجانی، ۲۰۰۶: ۱۵۱).

1. The Systematic Design
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding
5. Wolcott

مصلحت در اصطلاح نیز شامل طیفی از معانی می‌شود. غزالی که مصلحت را در لغت جلب منفعت و دفع مضرت می‌دانست معتقد است که در اصول مصلحت محافظت بر مقاصد شارع است. مقصود شارع نیز درباره خلق نیز پنج امر می‌باشد: حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل و حفظ اموال (غزالی، ۱۹۸۹، ج ۱: ۱۴۰).

مصلحت در بیان امام خمینی(ره)

در این بخش با توجه به آنچه در روش بیان شد، پارگراف به معنای واحد داده بوده و همه مواردی که حضرت امام در مقام بیان مصلحت سیاسی (و نه صرف کاربرد کلمه مصلحت یا صلح یا مصالح و...) بوده‌اند در جدولی به صورت کدگذاری باز و محوری انجام شده است. همچنین پیش از آن کدهای محوری استحصال شده از چارچوب نظری ولایت‌فقیه نیز در اینجا درج می‌شود. همه کدها و پاراگراف‌ها از منابعی است که مستقیماً یا از سوی امام خمینی(ره) نگاشته شده و یا متن بیانات ایشان است:

جدول ۱: کدهای محوری بخش چارچوب نظری: ولایت‌فقیه در اندیشه امام خمینی(ره)

اختیارات حکومتی فقیه با پیامبر و امام معصوم برابر است.
برخی از شرایط زمامدار اسلامی (ولی فقیه) از «طبیعت طرز حکومت اسلامی» ناشی می‌شود.
حکومت اسلامی دارای اقتضائاتی در طول زمان و مکان است که برخی ویژگی‌های خاص را برای حاکم طلب می‌کند.
ولایت، برای فقیه دارای اطلاق است.
حکومت به معنای ولایت مطلقه‌ای اهم احکام الهی است.
حکومت بر جمیع احکام شرعیه‌ی الهیه تقدم دارد.
حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه‌ی رسول الله است.
ولایت‌فقیه همان ولایت رسول الله هست.
ولایت‌فقیه مبتنی بر شأن سلطنت و ریاست پیامبر است نه شأن تبلیغ احکام شرعی.
اوامر و نواهی ناشی از سلطنت و حکومت در حکم اوامر و نواهی خداوند است.

بررسی همه واژه‌های ناظر به مفهوم مصلحت سیاسی نیز در جدول ذیل گردآوری شده است:

جدول ۲: کدگذاری باز و محوری مصلحت در بیانات امام خمینی(ره)

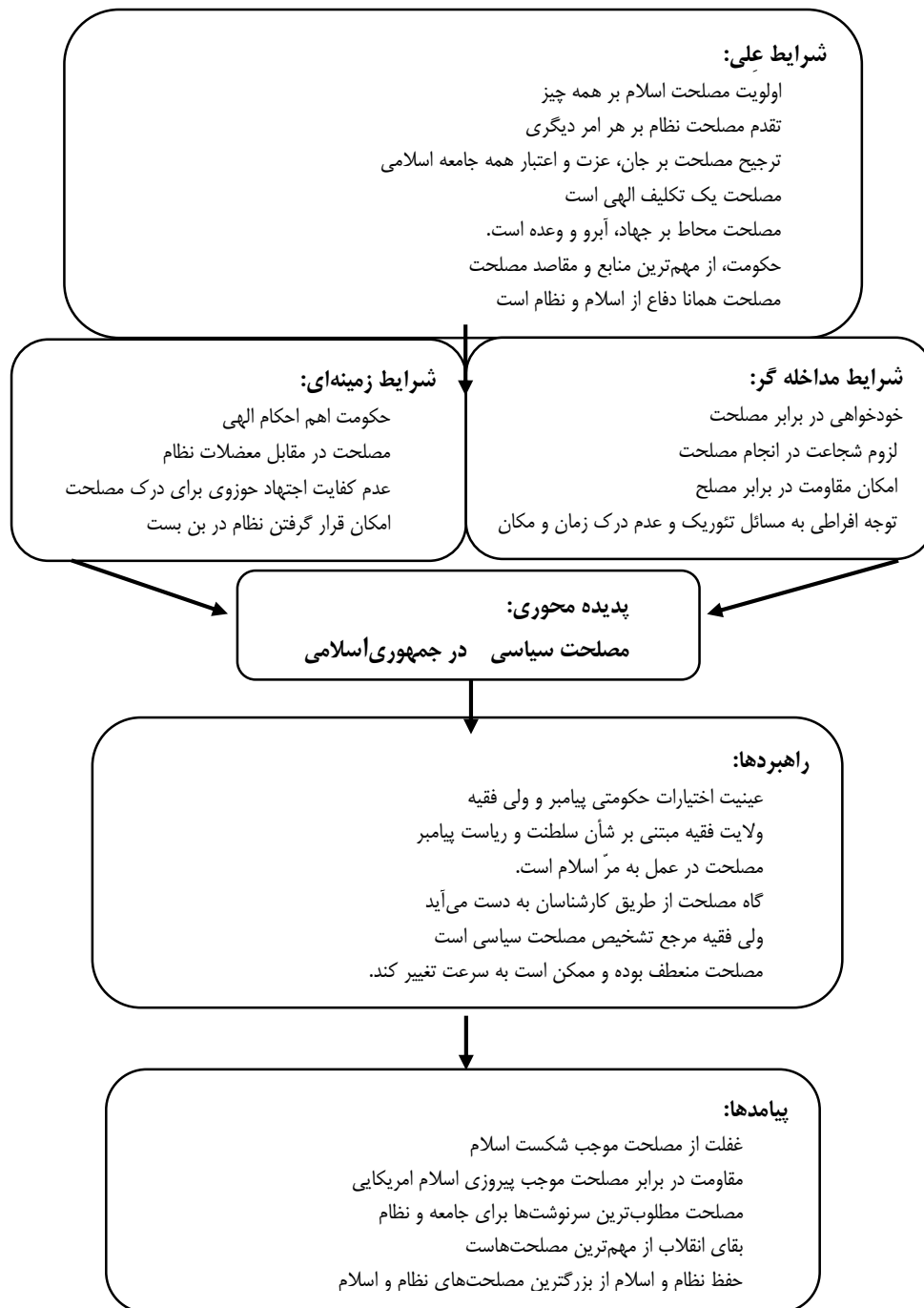
مقوله محوری	متن	موضوع	تاریخ
عمل به مصلحت اسلام نیازمند شجاعت است.	اگر من خدای نخواسته، یک‌وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک‌حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم	تحلیلی از قیام ۱۵ خرداد	۲۶ فروردین ۱۳۴۳
انقلاب اسلامی در راستای مصلحت مسلمین است.	نهضت شما، نهضت برای حق تعالی باشد، برای مصلحت مسلمین. کسی که صبح کند و مُهْتَم	اهتمام به مصالح امت	۳۰ مهر ۱۳۵۷

	نیاشد، اهتمام به امر مسلمین نداشته باشد، مسلم نیست.		
۳۰ مهر ۱۳۵۷	اهتمام به مصالح امت	مصلحت اسلام است که از همه چیز عزیزتر است. اولویت دارد.	مصلحت اسلام بر همه چیز اولویت دارد.
۲۰ شهریور ۱۳۵۹	انتظار ملت از دولت و دولتمردان و ضرورت انجام آن	اگر انسان در هر امری که وارد می‌شود در آن امر، خودخواهی را کنار بگذارد و مصلحت را ملاحظه بکند و خدا را ملاحظه بکند، هم موفق می‌شود	خودخواهی در برابر فهم مصلحت
۱۵ بهمن ۱۳۵۹	وظیفه ملت در اعراض از گروه‌های تفرقه جو	ملت باید خودش توجه کند و به تحریکات گوش ندهد و محکوم کند اشخاص یا گروه‌هایی را که برخلاف مصلحت اسلام یکدیگر را تضعیف می‌کنند، و برخلاف مصلحت کشور به هم پنجه می‌زنند.	وحدت از مهم‌ترین مصلحت‌های سیاسی است.
04 بهمن ۱۳۶۱	رسالت، جایگاه و عملکرد مجلس	همه ما، همه این دولت باید این حیثیت خودشان را پیش مردم حفظ کنند. و این حیثیت حفظ می‌شود به اینکه به مر اسلام عمل بشود، اعم از احکام اولیه و چنانچه نشد و تشخیص داده شد به این که الان مصلحت در حکم ثانوی است، احکام ثانویه؛ و اما این هم باید روی تشخیص صحیح باشد.	مصلحت در عمل به مر اسلام است.
۰۷ خرداد ۱۳۶۳	رسالت و وظایف نمایندگان مجلس	حفظ مصلحت عمومی و اسلام مقدم است بر حفظ مصلحت شخص، هر کس باشد.	تقدم مصلحت اسلام بر هر امر دیگری.
۱۷ بهمن ۱۳۶۶	تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام	در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای (و مسئولان کشور) و وزیر مربوط، برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد؛ و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد.	گاه مصلحت نظام از طریق رأی کارشناسان به دست می‌آید.
۱۷ بهمن ۱۳۶۶	تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام	حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد.	گاه غفلت از مصلحت نظام موجب شکست اسلام می‌شود.
۱۷ بهمن ۱۳۶۶	تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام	امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند.	نقطه مقابل مصلحت نظام، معضلات نظام است. و در برابر مصلحت نظام و مردم ممکن است مقاومت صورت بگیرد. و مقاومت در برابر مصلحت نظام ممکن است سبب شکست اسلام حقیقی شود و اسلام آمریکایی را پیروز گرداند.

ولی فقیه مرجع تشخیص مصلحت سیاسی است و مصلحت منعطف بوده و ممکن است به سرعت تغییر کند.	و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم... و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم.	قبول قطعنامه ۵۹۸	۲۹ تیر ۱۳۶۷
ترجیح مصلحت بر جان، عزت و اعتبار همه جامعه اسلامی	خدا می داند که اگر نبود انگیزه‌های که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود.	قبول قطعنامه ۵۹۸	۲۹ تیر ۱۳۶۷
مصلحت یک تکلیف الهی است. و مصلحت محاط بر جهاد، آبرو و وعده است.	شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام.	قبول قطعنامه ۵۹۸	۲۹ تیر ۱۳۶۷
مصلحت می تواند از مطلوب ترین سرنوشت ها برای جامعه و نظام اسلامی است.	خداوندا، از تو می خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی.	قبول قطعنامه ۵۹۸	۲۹ تیر ۱۳۶۷
اجتهاد مصطلح حوزوی برای درک مصلحت نظام کافی نیست. و مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی نیازمند اجتهادی افزون برای درک مصلحت است.	اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی تواند زمام جامعه را به دست گیرد.	مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی	۱۰ آبان ۱۳۶۷
مصلحت نظام و اسلام در برابر گره‌های کور قانونی	آنچه در این سال‌ها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضاء می کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد.	اختیارات شورای تشخیص مصلحت نظام	۱۰۷ آذر ۱۳۶۷
مصلحت لزوماً ثابت و قطعی نیست و منعطف و قابل تغییر است.	آنچه تاکنون در مجمع تصویب شده است مادام المصلحه، به قوت خود باقی است.	اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام و تذکر به شورای نگهبان	۰۸ دی ۱۳۶۷
زمان و مکان در درک مصلحت تعیین کنندگی بسیار بالایی دارند.	تذکری پدرا نه به اعضای عزیز شورای نگهبان می دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای	اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام و	۰۸ دی ۱۳۶۷

تذکر به شورای نگهبان	پراشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. حکومت، فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. و این بحث‌های طلبگی مدارس، که در چهارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد.	و حکومت، یکی از مهم‌ترین منابع و مقاصد مصلحت است و در تعیین فلسفه عملی مهم‌ترین منبع است. و توجه به مسائل حکومت اسلامی در تعیین مصلحت بر مباحث تئوریک فقهی کاملاً ارجحیت دارد. و توجه افراطی به مباحث تئوریک و عدم درک زمان و مکان و حکومت سبب بن‌بست در کشور می‌شود.
اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام و تذکر به شورای نگهبان	شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد- و خدا آن روز را نیاورد- باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ‌وخم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.	قرار گرفتن نظام اسلامی در بن‌بست بزرگ‌ترین خلاف شرع است. و یکی از بزرگ‌ترین مصلحت‌ها جلوگیری از وارد آمدن اتهام عدم قدرت اداره جهان به اسلام است.
تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی - منشور روحانیت	ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟	بقای انقلاب از مهم‌ترین مصلحت‌هاست. و مصلحت همان وظیفه است و در شرایط مختلف تغییر می‌کند.
موافقت با امضای آقای منتظری از قائم‌مقامی	در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم.	اسلام، مصلحت نظام را بر هر امری مقدم می‌کند.
برکناری آقای منتظری	...از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا بادلای پرخون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم.	عمل به مصلحت یک وظیفه شرعی است. و حفظ نظام و اسلام از بزرگ‌ترین مصلحت‌های نظام و اسلام است
برکناری آقای منتظری	سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی بردار نیست؛ و در صورت تخطی، هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد.	مصلحت همانا دفاع از اسلام و نظام است.

مطابق آنچه در بخش روش آمد، کدهای محوری در ۵ بخش مؤلفه‌های زمینه‌ای، علی، راهبردی، مداخله‌گر و پیامدی جایابی می‌شوند. شمای کلی مدل «مصلحت سیاسی» در اندیشه امام خمینی(ره) به شکل ذیل است:



شکل ۱: نمای کلی مدل داده بنیاد مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

همان‌طور که در نمای کلی قابل مشاهده است، در اندیشه امام خمینی(ره) مصلحت، تکلیفی الهی و مقدم بر همه چیز است و حتی جان، عزت، آبرو و وعده‌های داده شده نیز مانع انجام آن نخواهند بود. مصلحت نظام یا حکومت در این اندیشه اسلامی اهم احکام الهی است و برای برون‌رفت نظام از بن‌بست‌ها و معضلات احتمالی می‌بایست مورد کاربست قرار بگیرد. در این نگاه اجتهاد معهود حوزوی برای درک مصلحت کفایت نمی‌کند و لازم است مجتهد جامع‌الشرایط دارای بینش عمیق اجتماعی و سیاسی باشد. در حالی که گاه ممکن است خودخواهی‌ها و ترس‌ها یا مقاومت‌های برخی مانع انجام و اعمال مصلحت شود، لازم است با عبور از مباحث تئوریکی که معمولاً بی‌توجه به زمان و مکان هستند، مرّ اسلام را در نظر گرفت و با عنایت به جانشینی و نیابت ولی‌فقیه از پیامبر در کلیه امور سلطانی و ریاستی بر عباد و بلاد، مصلحت جامعه و نظام اسلامی را در نظر گرفته و به آن عمل نمایند. مصلحت در این زمینه می‌تواند کاملاً منعطف بوده و حتی به سرعت تغییر نماید.

در نهایت در مدل به‌دست‌آمده از اندیشه امام خمینی(ره) واضح است که آنچه سبب انزوا یا شکست اسلام یا پیروزی اسلام آمریکایی خواهد شد، «غفلت» از مصلحت است و عمل وفق آن قطعاً موجب بقای انقلاب و حفظ نظام می‌گردد که بهترین سرنوشت‌ها برای جامعه اسلامی. از این جهت غایت مصلحت را می‌توان در حفظ نظام و مشخصاً «جمهوری اسلامی» دانست. در سه بخش بعدی به صورت تفصیلی غایت مصلحت سیاسی، مرجع مصلحت سیاسی و مرجع تشخیص مصلحت سیاسی در جمهوری اسلامی مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره) تبیین خواهد شد.

غایت مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره)

به نظر می‌رسد وقوع دو رویداد در دوران رهبری امام خمینی(ره) فارغ از اصل مسئله پیروزی انقلاب اسلامی، می‌تواند راهگشای کشف سازوکار مصلحت در اندیشه امام خمینی(ره) باشد. به ترتیب وقوع زمانی، اولین رویداد بسیار حساس، مسئله «پذیرش قطعنامه ۵۹۸» و پس از آن مسئله عزل «آقای منتظری» از قائم‌مقامی رهبری است.

در موضوع اول بدون بررسی مقدمات پذیرش قطعنامه توسط امام خمینی(ره)، به متن بیانیه ایشان مراجعه می‌شود. تعابیر ایشان در مورد پذیرش قطعنامه می‌تواند ارتباط معنایی خوبی را در اختیار قرار دهد؛ واژه‌های به کار گرفته شده به این شرح است: «مصلحت انقلاب و نظام»، «رضایت حق تعالی»، «سخت‌تر از مرگ و شهادت»، «تکلیف الهی»، «تشخیص مصلحت»، «نظر تمام کارشناسان سیاسی و نظامی مورد اعتماد»، «از زهر کشنده‌تر» و... از این منظر مصلحت سیاسی نظام در آن لحظه عبارت است از آنچه به‌عنوان یک تکلیف و رضایت الهی، از سوی کارشناسان مورد اعتماد تشخیص داده شد و برای ولی‌فقیه از مرگ و شهادت سخت‌تر و از زهر کشنده‌تر بود (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۳۱: ۹۲-۹۷).

امام در عین حال مهم‌ترین مسئله را «حفظ اسلام و اصول انقلاب» می‌داند:

«آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت» (همان: ۸۵-۸۶). مطابق این، امام حتی در لحظه پایان جنگ که از آن به «مصلحت نظام» تعبیر می‌کنند، آن را فرایندی برای «حفظ نظام» می‌دانند.

در مسئله دوم فارغ از مقدماتی که سبب عزل آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری شد و اساساً موضوع بحث این پژوهش نیست، بررسی متن نامه امام خمینی (ره) به ایشان مورد نظر است. امام خمینی (ره) در نامه ۱۳۶۸/۱/۶ (همان: ۳۳۰-۳۳۲): یک مسئله اصلی دارد و آن «عدم صلاحیت آقای منتظری برای قائم‌مقامی رهبری» است. ایشان این عدم صلاحیت را موکول می‌کنند به این مطلب که «روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آن‌ها به منافقین می‌سپارید...»: از این جهت علاوه بر صلاحیت عمومی، «مشروعیت رهبری آینده نظام» نیز از ایشان سلب شده است.

با وجود آن که کشور در وضعیت جنگ‌زده است و حتی حضرت امام پس از قبول قطعنامه تا روز وفات، حتی یک سخنرانی عمومی ندارند و نمی‌توان گفت که کشور در وضعیت عادی قرار دارد، اما نگرانی بابت «استحاله نظام در آینده» سبب می‌شود تا امام خمینی (ره) رأساً به عزل ایشان اقدام نمایند. در اواسط نامه امام از آقای منتظری می‌خواهند که به دلیل ویژگی «ساده‌لوحی و تحریک‌پذیری سریع» از دایره فعالیت سیاسی در جمهوری اسلامی خارج شوند.

همچنین ایشان به‌صراحت در نامه ۱۳۶۸/۱/۲۶ بیان می‌کنند که امر عزل آقای منتظری مرتبط با «مصلحت نظام و اسلام» و «حفظ نظام و اسلام» است (همان: ۳۵۰). بنابراین آن حقیقت و واقعیتی که امام خمینی (ره) خود را ملتزم به اجرای بی‌چون‌وچرای آن دانسته و حتی در بیان آمادگی برای پرداخت هزینه‌های آن می‌فرماید: «من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می‌افتد ندارم» همان «مصلحت نظام» است که در بیان ایشان در این موضوع «حفظ نظام و اسلام» است.

مرجع مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

یکی از بخش‌های مهم در نظام سیاسی جمهوری اسلامی پرداختن به موضوع ابژه یا مرجع مصلحت است. اینکه «مصلحت چه کسی؟ یا چه چیزی؟» مهم‌تر است و می‌بایست در اولویت قرار بگیرد به‌عنوان چارچوب مسلط اهداف و راهبردهای نظام سیاسی خواهد بود. در ادبیات سیاسی موجود مسئله‌ای تحت عنوان «مرجع مصلحت» کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

با این حال می‌توان این مسئله را ناظر به مهم‌ترین ابژه یک نظام سیاسی در نظر گرفت که اصل نظام و مانایی آن کاملاً با آن مرتبط باشد. به بیان دیگر به لحاظ منطقی می‌بایست میان «مرجع مصلحت» با «مرجع امنیت» رابطه مستقیم وجود داشته باشد، زیرا نمی‌توان درک کرد که در یک نظام سیاسی مصلحت کسی یا چیزی دارای بیشترین اهمیت باشد و مصلحت او بر سایرین ترجیح داده شود، در عین حال حفظ امنیت

آن بر دیگران مقدم نباشد. از این منظر روش درک مسئله در این گفتار آن است که میان مرجع مصلحت با مرجع امنیت همسانی برقرار شده و آنچه در ادبیات امنیتی در خصوص مرجع امنیت از منظر رهبران انقلاب اسلامی و مشخصاً امام خمینی(ره) و جمهوری اسلامی ذکر شده است را به عاریت گرفته و در باب مرجع مصلحت به کار برد.

سازوکار شناسایی و تعیین مرجع امنیت در ادبیات امنیتی غالباً در دو دسته ایجابی و سلبی خلاصه می‌شود. به لحاظ سلبی، مرجع امنیت شامل بازیگران یا چیزهایی می‌شود که تهدیدات وجودی متوجه آن‌هاست و با تهدید بقا به لحاظ موجودیتشان روبه‌رو هستند. سازوکار ایجابی نیز مرجع امنیت را چیزی می‌داند که برای حفظ آن می‌توان به اقدامات اضطراری و خارج از رویه‌های عادی متوسل شد (پورسعید، ۲۰۱۰: ۳۰). امنیت دولت، امنیت رژیم، امنیت ملت و امنیت یکایک شهروندان، پاسخ‌های چهارگانه‌ای هستند که به پرسش مرجع امنیت داده شده‌اند (نصری، ۲۰۱۱: ۱۱۶). در واقع مهم‌ترین دلیلی که یک امر می‌تواند مرجع امنیت شود آن است که در معرض «تهدید وجودی» قرار گرفته است و ادعای مشروع حیات و بقا (متناسب) دارد (بوزان و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۷). واقع‌گرایان نیز «اصل بقا» را هدف برتر بازیگران امنیتی می‌دانند و اساساً امنیت را مترادف با آن تلقی می‌کنند. بقا در این روایت امنیتی در نهایت به معنای امکان ادامه حیات دولت-کشور در نظام بین‌الملل است. چارچوبی کاملاً مشخص و محدود که دولت را به‌عنوان تنها بازیگر اصلی در نظام بین‌الملل، مرجع امنیت می‌داند (عبدالله خانی، ۲۰۱۳: ۷۸-۸۱).

مطابق این مرجع مصلحت سیاسی در جمهوری اسلامی در وجه سلبی شامل بازیگران یا چیزهایی است که تهدیدات وجودی و نیز اصل مانایی و ارتقاء نظام جمهوری اسلامی متوجه و منوط به آن‌هاست. این موضوع در وجه ایجابی شامل چیزی است که برای آن می‌توان فراتر از اقدامات فقهی مثل احکام ثانویه و اضطراری، به حکم حکومتی یا مصلحت متوسل شد که خارج از رویه‌های عادی است. بر این اساس مصلحت سیاسی سطوح گوناگونی یافته که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان «مصلحت نظام، مصلحت مردم، مصلحت عمومی و...» ذکر نمود. همچنین به نظر می‌رسد که نسبت میان مراجع مصلحت در جمهوری اسلامی طولی بوده و دارای نسبتی مشکک می‌باشند. یعنی تأمین مصلحت مرجع اصلی سبب تحصیل بیشترین مصلحت برای سایر مراجع احتمالی خواهد بود.

آن‌چنان‌که پیش از این بیان شد که از منظر امام خمینی(ره) اساساً «حکومت» را شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج و... می‌دانند (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۲۰: ۴۵۲). ایشان همچنین در بیان لزوم عقلی ساختار و نظام برای دین و اسلام می‌فرمایند:

«احکام الهی، چه احکام مالی، یا سیاسی و یا حقوقی، نسخ نشده‌اند، بلکه تا روز قیامت ماندگارند و روشن است نفس ماندگاری این احکام اقتضای وجود حکومتی را می‌کند که پایبند آن و نگهدار سیادت قانون الهی و عهده‌دار اجرای آن باشد. و اجرای احکام خداوند، بدون تأسیس حکومت، امکان‌پذیر نیست، تا این‌که هرج‌ومرج لازم نیاید. افزون بر این‌که حفظ نظام از واجبه‌های مؤکد و از هم گسستگی امور

مسلمانان از جمله امور ناخوشایند است و برآوردن این هدفها، بدون وجود والی و برقراری حکومت، نشاید» (امام خمینی، ۱۹۹۰، البیع ج ۲: ۴۶۱).

دلیل دیگری که می‌بایست «نظام» را به‌عنوان مرجع مصلحت در جمهوری اسلامی قرارداد، بیانات صریح امام است که در آن میان «نظام» با «اسلام» این‌همانی برقرار می‌کنند:

«امروز ما مواجه با همه قدرت‌ها هستیم و آن‌ها در خارج و داخل دارند طرح‌ریزی می‌کنند؛ برای این‌که این انقلاب را بشکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند. و این یک تکلیف الهی است برای همه که اهم تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ یعنی، حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - و لو امام عصر باشد - اهمیتش بیشتر است؛ برای این‌که امام عصر (عج) هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام...» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۵: ۳۶۵).

چه‌بسا مهم‌ترین جمله‌ای که بتوان از آن به تعیین مرجع مصلحت در جمهوری اسلام دست یافت، همان عبارت صریحی باشد که امام خمینی (ره) در فرمان تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» به کار برده‌اند. در واقع امام در این فقره با عنایت و توجه کامل به‌عنوان «مرجع تشخیص مصلحت» از «نظام» به‌عنوان مرجع مصلحت نام برده و از همگان و به‌خصوص اعضا می‌خواند که نهایت جد و کوشش خود را در این باره به کار بگیرند:

«حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهم‌های است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد... مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند...» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۲۰: ۴۶۴-۴۶۵).

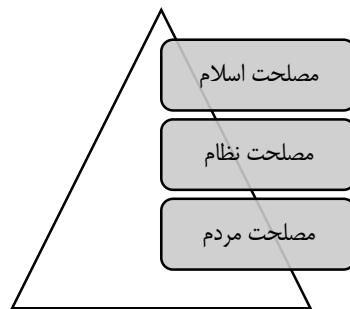
در این بیان هر چند در مرتبه دومی که امام از مصلحت نظام سخن می‌گویند، آن را به کلمه «مردم» عطف کرده و می‌فرمایند «مصلحت نظام و مردم»، اما محتوای نامه و عنوان آن و فرمان تشکیل مجمع یا شورایی تحت عنوان «مصلحت نظام» نشان می‌دهد که «نظام اسلامی» دارای در دستگاه ادراکی امام خمینی (ره) دارای اولویت و اولیت است.

از منظر امام خمینی (ره) آنچه پشتیبانی اصلی اسلام و مکتب را در جهان به عهده دارد، «نظام» است و در صورت شکست آن، دشمنان اسلام، سبب اضمحلال اصل اسلام می‌شوند. ایشان می‌فرمایند: «خطر، شکست یک جمعیت اسلامی در مقابل طاغوت نیست؛ آن‌ها اصلاً خطر نیست. آن خطری که الان برای ماست این است که مکتب ما شکست بخورد؛ اسلام شکست بخورد» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۸: ۴۸۴).

اما به‌صراحت شکست «جمهوری اسلامی» را به معنای «انزوای همیشگی اسلام» دانسته و امکان جبران را نیز منتفی می‌دانند؛ ایشان در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود می‌نویسند: «آقایان محترم تحت تأثیر این‌گونه شایعه‌سازی‌ها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد به‌جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه‌الله - روحی فداه - یا

مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد... و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد...» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۲۱: ۴۴۷).

مطابق کدهای به‌دست‌آمده به نظر بتوان هر م ذیل را برای مرجع مصلحت در جمهوری اسلامی در اندیشه رهبران آن رسم نمود:



شکل ۲: هرم مراجع مصلحت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

مرجع تشخیص مصلحت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

پس از تعیین این که مرجع مصلحت در جمهوری اسلامی، همانا نظام جمهوری اسلامی است و همه ظرفیت‌های ساختاری و کارگزاری موظف به تأمین مصلحت نظام هستند، این پرسش جدی وجود دارد که «مرجع تشخیص مصلحت» چه کسی است. منظور از این پرسش اساسی آن است که در صورت بروز اختلاف در خصوص این که مصلحت نظام چه چیزی است، کدام مرجع تعیین‌کنندگی داشته و به‌اصطلاح از منظر دستگاه شناختی جمهوری اسلامی فصل الخطاب تلقی می‌گردد.

به‌صورت کلی به نظر می‌رسد که در موضوع «مصلحت نظام» طیفی از مصالح وجود داشته باشد که بتوان حتی از مراجع تشخیصی متعدد اما در طول یکدیگر سخن گفت. تحلیل ذهنی مصلحت نظام در یک نظام مشکک می‌تواند به شکل ذیل باشد:



شکل ۳: نمودار تشخیص مصلحت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

بنابراین می‌بایست به دنبال کشف مرجع تشخیص این مصالح در ذهنیت جمهوری اسلامی بود. در وهله اول نامه امام خمینی(ره) در پاسخ به رئیس مجلس شورای اسلامی وقت، «آقای هاشمی رفسنجانی» است که طی نامه‌ای درخواست اعمال ولایت و تنفیذ قوانین مصوب مجلس از سوی ولی‌فقیه را دارند. امام خمینی(ره) در پاسخ می‌نویسند: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است پس از تشخیص موضوع به‌وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است، و پس از رفع موضوع خودبه‌خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن...» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۵: ۲۹۷).

از این منظر با تأیید قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، موضوعاتی که دارای حکم در شریعت نیستند، با عنایت به دفع اختلال در نظام یا وقوع حرج در آن، مورد تأیید قرار می‌گیرد. این در واقع سطح هفتم تشخیص مصلحت است که از سوی نمایندگان مردم به‌عنوان متخصص و کارشناس و فقها و حقوقدانان شورای نگهبان به‌عنوان ناظران قانونی و فقهی صورت می‌گیرد.

سطح ششم مصلحت نظام نیز که نصب کارگزاران ارشد است، با انتخابات و کسب نظر مردم در تأیید و تنفیذ ولی فقیه صورت گرفته و از این منظر عمده تشخیص پس از تأیید صلاحیت نامزدهای شورای نگهبان از سوی مردم صورت می‌گیرد.

سطح پنجم تشخیص مصلحت با مرجعیت «مجمع تشخیص مصلحت نظام» صورت می‌گیرد. البته امام خمینی(ره) در ضمن نامه فرمان تشکیل مجمع، به صراحت «مرجعیت تشخیص اختلافات مجلس شورای اسلامی با شورای نگهبان» را با «کارشناسان» می‌دانند اما پس از آن «غایت احتیاط» را در تشکیل این مجمع دانسته و می‌فرمایند:

«گرچه به نظر این جانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان، که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام: خامنه‌ای، هاشمی (و...) و وزیر مربوط، برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد؛ و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد...» (همان، ج ۲۰: ۴۶۴).

از این منظر شورایی مرکب از فقها، مسئولان ارشد نظام و کارشناسان متخصص مسئولیت تشخیص موارد اختلافی میان مصوبات مجلس با نظرات فقهی و قانونی شورای نگهبان را دارند.

البته در بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نقش مشورتی در تعیین سیاست‌های کلی نظام برای ولی فقیه را نیز یافت. از این منظر مجمع تشخیص مصلحت توانایی اعلام نظر تشخیصی در دو سطح پنجم و هفتم از سطح مصلحت نظام را دارد.

پس از آن در تعیین مرجعیت تشخیص مصلحت نظام در چهار سطح اول، هر چند ممکن است بتوان اشارات قانونی همچون آنچه در بندهای اول تا پنجم و هشتم اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده است را در نظر گرفت، اما به صورت مشخص در قوانین به آن اشاره نشده است و می‌بایست از طریق سیره سیاسی نظام جمهوری اسلامی مرجع تشخیص را کشف نمود.

البته قید مطلقه برای «ولایت مطلقه فقیه» در اصل ۱۵۷ نشان می‌دهد که حوزه وظایف و اختیارات ولی فقیه یا ولی امر در اداره نظام و جامعه، قابل تقیید نیست:

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

از این منظر در هر موضوعی که می‌تواند مورد مسئله «مصلحت باشد و مرجع تشخیص آن به صورت صریح در قانون اساسی ذکر نشده است، لاجرم، ولی فقیه به عنوان ولی امر، عهده‌دار تشخیص آن است. به عنوان مثال رهبر معظم انقلاب اسلامی، یکی از مراجع اصلی تعیین «سیاست خارجی جمهوری اسلامی»

را «شورای عالی امنیت ملی» بیان می‌کنند که در واقع در بالاترین سطوح یعنی سطوح سوم و چهارم تشخیص مصلحت قرار دارد.

«سیاست‌ خارجی در هیچ جای دنیا در وزارت خارجه تعیین نمی‌شود... نه، وزارت خارجه مجری است؛ سیاست‌های خارجی را [اجرا می‌کند]؛ اینجا در کشور ما هم همین‌جور است؛ در شورای عالی امنیت ملی که همه‌ی مسئولین در آنجا حضور دارند، تصمیم‌گیری می‌شود و وزارت خارجه با شیوه‌های خودش بایستی آن‌ها را عملی بکند و پیش ببرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰۲۱/۵/۲).

با این وجود مطابق «اصل یکصد و هفتاد و ششم» قانون اساسی که به موضوع «شورای عالی امنیت ملی» می‌پردازد، «تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور» از سوی این شورا می‌بایست در محدوده «سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری» بوده و اساساً مطابق بند سوم این اصل، تمام مصوبات این شورا با تأیید «مقام رهبری» قابل اجراست.

از این منظر مطابق آنچه در سیره سیاسی جمهوری اسلامی از اصل برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، آغاز دفاع مقدس، پایان آن، عزل قائم‌مقام رهبری، سیاست خارجی کشور و روابط بین‌الملل، موضوعاتی چون برجام و مذاکره با غرب و... مشاهده می‌شود، یا آنچه در خصوص مسائل منطقه‌ای و حوزه بیداری اسلامی مطرح است، به‌صورت کلی از سوی «ولی‌فقیه» تعیین شده و مورد دستور قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های داده بنیاد و تحلیل ساختاری معتقد است که مصلحت سیاسی همان حکم الهی مکشوفه توسط ولی فقیه است که جمهوری اسلامی را از شرایط بن بست یا شبه بن بست که در آن قرار می‌گیرد خارج کرده و بیشترین منافع و مصالح را برای نظام سیاسی و کشور تأمین می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ولایت فقیه برای امام خمینی(ره)، نه صرفاً نیابت از پیامبر و ائمه (صلوات الله علیهم) در شأن تبلیغی و ابلاغ احکام فقهی، که نیابت تامه از ایشان در امور «سلطانی و ریاست و سیاست بر عباد و بلاد» و نیز «قضاوت» است. از این منظر همه احکام الهی دین اسلام مبتنی بر مصلحت‌های واقعی است و حکم مصلحت سیاسی در پی دستیابی به «بیشترین مصلحت حقیقی میسور» و ممکن در شرایط و زمانی خاص است. مصلحت سیاسی ناظر به تأمین مصالح نظام سیاسی و جمهوری اسلامی است که از طریق آن بیشترین منافع و مصالح مردم و کشور نیز تأمین می‌شود. از نظر امام خمینی(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و کارگزاران ارشد و تراز جمهوری اسلامی نظیر شهید سلیمانی در صورت آسیب به جمهوری اسلامی، ایران بیشترین مضرات را متحمل می‌شود و از این جهت، مرجع قطعی مصلحت سیاسی، نظام جمهوری اسلامی است.

در حالی که بخشی از مصلحت که مرتبط با امور جزئی یا در حوزه قوانین جاری کشور است توسط کارشناسان، نمایندگان مردم و نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام قابل درک است، مصلحت‌های سیاسی راهبردی در سطوح بین‌المللی و کلان نظام بدون تردید می‌بایست از سوی ولی فقیه تشخیص داده شود.

البته در این میان مهم‌ترین عامل یا عوامل مقابل مصلحت سیاسی منکشفه توسط ولایت فقیه، «لیبرال‌های داخلی» یا «جریان اسلام آمریکایی» در کشور است که مطابق دستگاه شناختی رهبران انقلاب اسلامی بیشترین ضرر را بر سیاست جمهوری اسلامی وارد آورده‌اند. بررسی تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که معمولاً سخت‌ترین واکنش رهبران انقلاب اسلامی در برابر این دو جریان بوده و منافع ایشان نوعاً بر خلاف مصالح سیاسی مکشوف توسط ولایت فقیه بوده است. بر این اساس در صورتی که این دو جریان بتوانند در آینده سیاسی ایران حضور داشته و نقش فعالی چون برخی مقاطع گذشته ایفا کنند می‌بایست منتظر بروز بن بست‌ها و شرایط اضطراری دیگری برای جمهوری اسلامی بود.

در نهایت مهم‌ترین غایت مصلحت سیاسی جمهوری اسلامی، «حفظ نظام جمهوری اسلامی» است و امام خمینی(ره) آن را بالاترین واجبات الهیه و حتی واجب‌تر از «حفظ جان امام زمان» دانستند. جمهوری اسلامی به هیچ روی از اصل وجود خود چشم‌پوشی نمی‌کند و آن را مبنای بقای اسلام ناب محمدی در جهان می‌داند. در صورت از بین رفتن جمهوری اسلامی اسلام ناب به صورت بسیار جدی ضربه خورده و برای سال‌های متمادی در جهان منزوی و تضعیف خواهد شد. از این منظر هیچ امر دیگری نمی‌تواند بر اصل حفظ نظام در جمهوری اسلامی اثر گذاشته و مانع آن تلقی شود و در عین حال شرعی و اسلامی باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد در صورتی که حفظ اصل جمهوری اسلامی منوط به بهره‌گیری از ابزاری منحصر به فرد بوده و هیچ راه دیگری برای حفظ نظام وجود نداشته باشد، استفاده از آن ابزار یا راه خاص در حالتی که دشمن جمهوری اسلامی در حال بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های غیرمعمول است، جایز و بلکه مطابق مصلحت سیاسی قطعی جمهوری اسلامی واجب می‌باشد و هیچ حکم فقهی و شرعی دیگری نمی‌تواند چنین اصلی را لغو یا نقض نماید.

منابع

- The Holy Quran
- Abdullah Khani, Ali (2012). *Theories of Security*, Tehran, Abrar Contemporary Cultural Studies Institute. (In Persian)
- Akbari, Kamal (2017). *Political Jurisprudence and the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Publications and Organization of Printing and Publications and Media Affairs of Islamic Azad University (In Persian)
- Alidoost, Abolqasem (2014). *Jurisprudence and Expediency*, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (In Persian)
- Amid Zanjani, Abbas Ali; Mohammadi, Mohammad Ali (2006). "Sources and Basics of Public Law in Islam", *Legal Thoughts*, No. 11, autumn and winter, 5-34. (In Persian)
- Ayatollah Khamenei, Seyed Ali, "Statements", www.khamenei.ir

- Bozan, Bari; Weaver, Eli and Dewilde (2006). *A New Framework for Security Analysis*, translated by Alireza Tayeb, Tehran, Strategic Studies Research Institute. (In Persian)
- Charmaz, K. (2001). *Grounded Theory: Methodology and Theory Construction*. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd Ed), Thousand Oaks, CA: Sage
- Creswell, John (2017). *Qualitative survey and research design: choosing among five approaches, narrative research, phenomenology, etc.*, translated by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi, Tehran, Nasarsafar, first edition. (In Persian)
- Danaeifard, Hassan and Emami, Azar (2016). *Constructing the theory of organizational indifference: the application of the research strategy of the foundation data theory in practice*. Tehran, Imam Sadegh University Publishing. (In Persian)
- Danaeifard, Hassan and Momeni, Nona (2007). "Effective leadership theory from the perspective of Imam Ali (AS), data strategy - textual foundation", *Islamic Revolution Quarterly*, 4th year, No. 112, 75-110. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (1998). "Islamic expediency and political sovereignty", *Islamic Government Quarterly*, No. 9, 94-124. (In Persian)
- Eftekhari, Asghar (2005). *Expediency and politics, an Islamic approach*, Tehran, Imam Sadiq University Publishing. (In Persian)
- Ghazali, Abu Hamed Muhammad (1989). *Al-Mustafafi on elm al-usul*, Qom, Dar al-Zhakhar, vol.1.
- Glaser, B. (2007). *Constructivist Grounded Theory?* Historical Social Research, Supplement.
- Ibn Manzoor, Abulfazl Jamal al-Din Muhammad bin Makram (1990). *Lasan al-Arab*, Beirut, Dar al-Saad, vol. 2.
- Ibn Manzoor, Abulfazl Jamal al-Din Muhammad bin Makram (1994). *Lasan al-Arab*, Beirut, Dar al-Fikr for printing and publishing and al-Tawzi'ah.
- Imam Khomeini (RA), Seyyed Ruhollah (1990). *Al-Bay*, Volume 2, Fourth Edition, Qom, Ismailian Press Institute. (In Persian)
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1990). *Al-Rasael*, Qom, Ismailian Publishing House, Vol. 1 and 2. (In Persian)
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2010). *Sahifa Imam (RA)*, Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, Vol. 8, 10, 15, 20, 21. (In Persian)
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2014). *Velayat-e-Faqih*, Tehran, Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini. (In Persian)
- Izadehi, Seyyed Sajjad (2012). "Expediency rules in Shia jurisprudence", *The Transcendent Politics Magazine*, summer, Year 1 - Number 1, 29-58. (In Persian)
- Izadehi, Seyyed Sajjad (2013). "Expediency in Shia political jurisprudence", Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (In Persian)
- Kalantari, Ali Akbar (2009). *Second Judgment in Islamic Legislation*, Qom, Bostan Kitab. (In Persian)
- Nasri, Qadeer (2018). "A theoretical reflection on Bari Buzan's findings and difficulties in security research", *Strategic Studies Quarterly*, 14th year, vol. 4, 105-134. (In Persian)

-
- Pour Saeed, Farzad (2010). “Imam Khomeini's speech perception security reference”, Strategic Studies Quarterly, 13th year, 3rd issue, 29-54. (In Persian)
 - Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1992). *Al-Qur'an vocabulary words*, Lebanon-Syria, Dar-e-Alam - Al-Dar-al-Shamiya. (In Persian)
 - Ramzan Bouti, Mohammad Saeed (2004). *Expediency and Sharia: The Basics of Rules and the Place of Expediency in Islam*, translated by Asghar Ifitkhari, Tehran, Game No Publishing. (In Persian)
 - Wolcott, H (1994). *Transforming qualitative data: Description, analysis and interpretation*. London: Sage